Research Article

The Iranian Journal of Health Insurance | Volume 5, Issue 1, Spring 2022 | Page: 68-77

journal.ihio.gov.ir

The Trend of Changes in the Support Ratio in Iranian Pension Funds

Reza Kiani[1*] PhD, Majid Kosheshi[2] PhD

[1]Department of Population and Health, National Population Research Institute, Tehran, Iran

[2]Department of Demography, University of Tehran, Tehran, Iran

***Concordance to:** Reza Kiani, Email: rezakiani@nipr.ac.ir

Received: January 24, 2022 **Revised:** May 11, 2022 **Accepted:** May 18, 2022 **Online Published:** June 7, 2022

Abstract

Introduction: A study of the situation of Iranian pension funds shows that these funds have faced significant financial challenges in the last two decades and have reached a state of instability in the pension system. This raises serious questions about the ability of funds to meet their obligations for the benefit of beneficiaries. One of the tools for measuring the balance of resources and expenditures and the stability of pension funds is the support ratio. The purpose of this study is to examine this ratio in pension funds with an emphasis on social security and its developments over the past 50 years.

Methods: The present study is a descriptive-analytical research through secondary analysis of organizational registration data. The data used were obtained from statistical and information sources of pension funds and the Statistics and Information Office of the Ministry of Labor Cooperation and Social Welfare.

Results: State Pension Funds, Steel, Central Bank, Radio and Television, National Copper and Ports and Shipping have a support ratio below one. By classifying this ratio with the following group of 2 employees retired, to this list can be added banks, Homa Airlines, Central Insurance and Oil. Also, the support ratio in the Social Security Fund has been decreasing in recent years, so that in the last ten years it has decreased from 6.81 in 2010 to 4.5 in 2019.

Conclusion: The crisis in pension funds is so important that any neglect of it can create a national challenge in the country. The results obtained in this study show that the support ratio in pension funds has a decreasing trend and the continuation of this trend poses major risks to the Iranian economy.

Keywords: Support Ratio, Pension Fund, Aging, Social Security Organization

Highlights

1. In recent years, the support ratio in the country's pension funds has been declining, and due to the imbalance in the resources and expenditures of those organizations, many of them are practically bankrupt.
2. Attention and action to balance the support ratio has an important role in promoting social welfare in the country.

Citation:
Kiani R, Kosheshi M. The trend of changes in the support ratio in Iranian pension funds. Iran J Health Insur. 2022;5(1):68-77.

Copyright © 2022 The Author(s); Published by National Center for Health Insurance Research. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

مقاله پژوهشی

فصلنامه علمی- پژوهشی بیمه سلامت ایران | دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۴۰۱ | صفحات ۶۹ تا ۷۷

journal.ihio.gov.ir

روند تغییرات نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی با تأکید بر صندوق تأمین اجتماعی

رضا کیانی[۱] PhD، مجید کوششی[۲*] PhD

[۱] گروه جمعیت و سلامت، مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور، تهران، ایران

[۲] گروه جمعیت شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

* **نویسنده مسئول:** رضا کیانی، پست الکترونیک: rezakiani@nipr.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴ **تصحیح:** ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ **پذیرش:** ۱۴۰۱/۰۲/۲۸ **انتشار آنلاین:** ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

چکیده

مقدمه: بررسی وضعیت صندوق‌های بازنشستگی ایران نشان می‌دهد که این صندوق‌ها طی دو دهه اخیر با چالش‌های مالی مهمی روبرو شده‌اند و به نوعی به وضعیت ناپایداری سیستم مستمری رسیده‌اند. این مسئله، توانایی صندوق‌ها را در تأمین تعهدات خود برای بهره‌مندی مشمولین با پرسش جدی مواجه کرده است. یکی از ابزارهای سنجش توازن منابع و مصارف و پایداری صندوق‌های بازنشستگی، نسبت پشتیبان است. هدف از این مطالعه، بررسی این نسبت در صندوق‌های بازنشستگی با تأکید بر تأمین اجتماعی و تحولات آن طی ۵۰ سال گذشته‌ی این صندوق است.

روش بررسی: پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی از طریق تحلیل ثانویه داده‌های ثبت سازمانی است. داده‌های مورد استفاده از منابع آماری و اطلاعاتی صندوق‌های بازنشستگی و دفتر آمار و اطلاعات وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی اخذ شده است.

یافته ها: صندوق‌های بازنشستگی کشوری، فولاد، بانک مرکزی، صدا و سیما، ملی مس و بنادر و کشتیرانی دارای نسبت پشتیبان زیر یک هستند. با طبقه‌بندی این نسبت با گروه زیر ۲ شاغل به بازنشسته، به این فهرست می‌توان به بانک‌ها، هواپیمایی هما، بیمه مرکزی و نفت را افزود. همچنین نسبت پشتیبان در صندوق تأمین اجتماعی طی سال‌های اخیر روند کاهشی داشته به نحوی که طی ده سال اخیر از ۶/۸۱ در سال ۱۳۸۹ به ۴/۵ در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است.

نتیجه گیری: بحران در صندوق‌های بازنشستگی به حدی حائز اهمیت است که هرگونه بی‌توجهی به آن می‌تواند چالش ملی در کشور ایجاد کند. نتایج بدست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی روند کاهشی داشته و ادامه این روند مخاطرات اساسی پیش روی اقتصاد ایران پدید می‌آورد.

واژگان کلیدی: نسبت پشتیبان، صندوق بازنشستگی، سالمندی، سازمان تأمین اجتماعی

نکات ویژه

۱. شاخص نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی کشور روندی کاهشی داشته و به دلیل عدم توازن در منابع و مصارف درون سازمانی عملاً بسیاری از آنها ورشکسته محسوب می‌شوند.

۲. توجه و اقدام در راستای به تعادل رساندن نسبت پشتیبان سهم به سزایی در ارتقاء رفاه اجتماعی در کشور دارد.

مقدمه

کاهش قابل توجه باروری و افزایش امید زندگی، تغییرات عمده‌ای در ساختار سنی جمعیت ایران ایجاد کرده است [۱]. این تغییرات در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، منابع سرمایه‌ای صندوق‌های بازنشستگی و نظام تأمین اجتماعی را متأثر خواهد ساخت [۲]. افزایش جمعیت سالمند که خود ریشه در افزایش امید زندگی و سالخوردگی جمعیت دارد که با کاهش نرخ زاد و ولد آغاز می‌شود [۳]، وضعیت اقتصادی و اجتماعی را با شرایطی نو و تازه روبه‌رو ساخته و احتمالاً با شدت بیشتری مواجه خواهد ساخت؛ به نحوی که سهم جمعیت سالمند در کشور افزایش یافته است. طبیعی که در این شرایط، معطوف شدن بخشی از برنامه‌ها، سیاست‌ها، حمایت‌ها و خدمات بازنشستگی به

سالمندان، از مطالبات و انتظارات عمومی جامعه باشد.

کاملاً روشن بود که تغییرات پیش آمده در ساختار سنی جمعیت، دیر یا زود پیامدهایِ خود را نشان می‌دهد. افزایش هزینه‌ها در بخش عمومی، به‌خصوص در بخش‌های مربوط به سلامت، بحران ناشی از سالمندی و شکافِ نسلی و مسائل مربوط به تحدید نسل در کشور و مواردی از این دست، مهم‌ترین اثرات سالمندی در جمعیت ایران هستند که همگی آنها مهم، قابل تأمل و نیازمند چاره‌جویی‌اند. اما بدون تردید، یکی از خطیرترین پیامدهای ناشی از تغییرات جمعیتی در ایران، بحران‌ها و مشکلاتی است که در صندوق‌های بازنشستگی ایجاد خواهد شد.

اگر بخواهیم در این خصوص داوریِ منصفانه‌ای داشته باشیم باید متذکر شد موضوع سالمندیِ جمعیت در ایران، به تنهایی منجر به بی‌ثباتیِ مالی و ناپایداری منابع و مصارف در صندوق‌های بازنشستگی نیست. در این مورد می‌توان فهرستی از عوامل متعدد که ممکن است در جلوگیری از توازن مالی صندوق‌ها نقش پُررنگی داشته باشند، تهیه کرد. برای نمونه می‌توان به خساراتی که مرگ زودهنگام و ازکار افتادگی ناشی از مصدومیت در اثر سوانح طبیعی بر منابع صندوق‌ها وارد می‌کنند، اشاره کرد [۴] یا در بازار کار به جستجوی اثرات منفی نرخ بالای بیکاری بر منابع، یا افزایش خسارت‌ها در بخش مصارف از طرق پرداخت‌های وظیفه‌بگیری به بازماندگان با تأخیر فرزندان دختر در ازدواج، افزایش نرخ طلاق دختران که طبیعتاً نرخ اشتغال کمتری دارند و مواردی مانند اینها پرداخت. با وجود این نباید از بحران‌های مالی و فقدان ثبات در نسبت منابع و مصارفِ صندوق‌ها در اثر سالخوردگی جمعیت غافل بود و آن را نادیده گرفت.

این موضوع، اهمیت پایداری صندوق‌هایِ بازنشستگی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. کارکرد این صندوق‌ها عبارت است از پس‌انداز بخشی از حقوق و دستمزد فرد شاغل و بازگشتِ آن پس‌انداز (طبق مقررات بازنشستگی) به فرد در زمان بازنشستگی. بر همین اساس، در کشور ما سیستم بازنشستگی متکی به درآمدهای حاصل از طریق حق بیمه مستخدم و سهم کارفرماست[۵]. بنابراین سهمِ جمعیتِ شاغل، هم‌سنگِ سهمِ جمعیت بازنشسته، واجد اهمیت و اعتبار است. اینجاست که در ادبیات بیمه‌ای و بازنشستگی، شاخصی به نام «نسبت یا ضریب پشتیبان» مطرح می‌شود.

این شاخص، یکی از مهم‌ترین شاخص‌های آماری مربوط به پایداری مالی در صندوق‌هایِ بازنشستگی است، به گونه‌ای که میزان موفقیت و کارآیی صندوق‌ها با وضعیت این نسبت رابطه‌ای مستقیم پیدا می‌کند. نسبت پشتیبان به ما نشان می‌دهد چه میزانی از نرخ مشارکت طی یک دوره خاص برای یک سطح مشخص مستمری مورد نیاز است[۶]. مطالعات جهانی گویایِ این واقعیت است که کاهش نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی از ویژگی‌های کشورهای با جمعیت سالمند و توسعه‌یافته بوده و دغدغه بسیاری از دولت‌ها در سطحِ بین‌المللی است[۷]. بر اساس پیش‌بینی بانک‌جهانی، تا سال ۲۰۳۰ در بریتانیا به ازای هر ۵ نفر شاغل، دو مستمری‌بگیر وجود خواهد داشت[۸]. این در حالی است که در سال ۱۹۹۰ در این کشور در ازای هر ۴ شاغل، یک مستمری‌بگیر بوده است. وضع این شاخص در کشوری همچون آلمان از این هم وخیم‌تر و کاهش نسبت پشتیبان، آهنگ پرشتاب‌تری داشته، به نحوی که تا سال ۲۰۳۰ نسبت شاغلان به بازنشستگان دو به یک خواهد بود، در حالی که در سال ۱۹۹۰ این نسبت ۵ به یک بوده است[۸].

با بررسی وضعیت صندوق‌های بازنشستگی داخلی متوجه می‌شویم این شاخص که از تقسیم تعداد بیمه‌شدگان اصلی بر مستمری‌بگیران بر حسب پرونده به دست می‌آید[۹]، سال‌هاست روند کاهشی داشته، به نحوی که در برخی از صندوق‌ها به ازای هر یک نفر بازنشسته، کمتر از یک نفر شاغل وجود دارد. کاهش این شاخص، به‌عنوان شاخصی (هم از نظر علمی و هم از نظر مدیریتی) کارآمد در عملکرد و ساختار صندوق‌هایِ بازنشستگی، می‌تواند شدت و اندازه بحران در صندوق‌ها را معلوم و محسوس سازد.

نباید از یاد ببریم وقتی از بحران در صندوق‌های بازنشستگی صحبت می‌کنیم، منظور آن است که توازن جریان نقدی و سرمایه‌ایِ ورودی و خروجی در آنها بر هم خورده است. روشن است که این مسئله، در تأمین رفاه و معیشت بازنشستگانِ تحت پوشش تاثیر منفی خواهد گذاشت. از دیگر سوی در کشور ما، صندوق تأمین اجتماعی، به عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی، بیش از نیمی از جمعیت را تحت پوشش خود دارد. یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های این صندوق آن است که بر خلاف بسیاری از صندوق‌های بیمه‌ای در کشور، دارای

ورودی و خروجی جمعیتِ تحت پوشش و یا آنچه در ادبیات بیمه‌ای رایج است، دارای «سیستم عملکردی باز» است. پوشش بیمه‌ای یا مستمری در این صندوق، شامل افراد در زمانِ ورود به بازار کار و یا خروج از آن است. بررسی نسبت پشتیبان در این صندوق طی یک دوره ۵۰ ساله، با در نظر گرفتن افزایش تعداد کارگاه‌ها و افزایشِ جامعه بیمه‌پرداز طی این سال‌ها، نشان می‌دهد روند حرکت این شاخص به شدت کاهشی شده است. این تغییر گویای یک مطلب مهم است: بحران نامتوازن بودن منابع و مصارف سایر صندوق‌های بازنشستگی، به این صندوق نیز سرایت کرده است. در پرتو چنین دیدگاهی، مسئله اصلی و پرسش ریشه‌ای و محوری در این مطالعه آن است که بدانیم وضعیت نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی کشور به چه نحو است و با توجه به «ضریب نفوذ» و «ضریب پوشش» صندوق تأمین اجتماعی در پوشش بیمه‌ای و مستمریِ بخش عظیمی از جمعیت کشور، تغییرات این شاخص طی سالیان اخیر در کل کشور و در استان‌ها در سال ۱۳۹۸ چگونه بوده است؟

روش بررسی

باتوجه به هدف این پژوهش که عبارت است از بررسی معضلات صندوق‌های بازنشستگی از منظر تغییرات نسبت پشتیبان و باتوجه به ماهیتِ موضوع، پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی-تحلیلی خواهد بود. بدین‌صورت پژوهشگر می‌کوشد ابتدا موضوع را توصیف و تشریح کرده و در انتها ابعاد و زوایایِ تعدیل وضعیت نسبت پشتیبان را مورد تبیین و تحلیل قرار دهد. روش مورد استفاده در بررسی تحولات نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی، روش تحلیل ثانویه است. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از منابع مختلفی اخذ می‌شود. منبع اصلی اطلاعات مربوط به تغییر در ساختار جمعیت، داده‌های مرکز آمار ایران شامل نتایج تفصیلی سرشماری‌های صورت گرفته از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ و گزارش‌های سازمان ثبت احوال کشور خواهد بود. منبع اصلی شاخص‌های رفاهی از واحدهای مختلف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان‌ها و صندوق‌های بازنشستگی شامل سالنامه‌های آماری، گزارشات سازمانی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اخذ خواهد شد. اطلاعات مربوط به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی از واحد آمار این صندوق اخذ شده و محاسبه این شاخص در سال‌های مختلف در کشور و در استان‌ها توسط محقق انجام شده است. رویکرد روشی این پژوهش بر مبنای فرمول نسبت پشتیبان است که به نحو زیر قابل محاسبه است:

SUPPORT RATIO:W(working age and insured people) /R(retirement)

که به شکل خلاصه می‌توان این رابطه را این‌گونه محاسبه کرد:

$$S \cdot R = \frac{W}{R}$$

در این رابطه منظور از W و R عبارت است از:

W جمعیت شاغل بیمه‌پرداز: در بررسی نسبت پشتیبان، جمعیت شاغلی مورد محاسبه قرار می‌گیرد که سابقه بیمه‌پردازی دارد. براساس تعریفی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از فرد بیمه شده ارائه داده، بیمه شده عبارت است از فردی که با پرداخت مبالغی به عنوان حق بیمه، حق استفاده از مزایای مندرج در قانون سازمان بیمه‌گر را دارد[۱۰].

R مستمری‌بگیر: فردی است بازنشسته یا از کار افتاده و بازمانده که طبق مقررات صندوق بازنشستگی مستمری دریافت می‌کند. بنابراین در محاسبات این شاخص، علاوه بر مستمری‌بگیران مجموعِ مستمری‌بگیران تبعی مد نظر قرار می‌گیرد.

آنچه بیشتر به عنوان ضریب یا نسبتِ پشتیبان در ارزیابی توازن منابع و مصارف صندوق‌های بیمه و بازنشستگی ملاک عمل قرار دارد نسبت بیمه‌شدگان‌اصلی بر تعداد مستمری‌بگیران بر حسب پرونده است. بنابراین جامعه آماری شامل کلیه افراد مستمری‌بگیر و کلیه افراد بیمه‌پرداز تحت پوشش صندوق‌های بازنشستگی و سازمان‌های بیمه‌ای پایه در کشور خواهد بود.

همان‌طور که پیش از این بیان شد این شاخص یکی از مهم‌ترین شاخص‌های علمی است که می‌تواند در نشان دادن وضعیت صندوق‌های بازنشستگی به کار آید. به سخن دقیق‌تر یکی از راه‌های سنجش پایداری و کارآمدی در صندوق‌های بازنشستگی، نسبت پشتیبان است. کمترین حدِ داده‌های مربوط به این شاخص، محدودیت و چارچوب تعریف شده‌ای دارد که در مطالعات آن، ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد. بر اساس تجربیات جهانی و اصول علمی آمار و محاسبات اکچوئری، اگر این نسبت در صندوق بازنشستگی کمتر از ۷ به یک شود، آن صندوق دچار

وضعیت ناپایداری است و اگر به حدود ۳ به یک برسد ورشکسته محسوب می‌شود [۱۱]. باتوجه به ساختار سنی و جنسی جمعیت تحت پوشش در صندوق تأمین اجتماعی «اگر شاخص پشتیبان بـه کمتر از ۶/۳۷ نفر تقلیل پیدا کند، سـازمان تأمین اجتماعی قادر نخواهد بود براساس منابع نقدی حاصل از دریافت حق بیمه به تعهدات قانونی خود عمل کند و اگر این شاخص از ۵/۳۵ نفر کمتر شـود، پرداخت کلیه تعهدات به‌خصوص بدهی‌های دولت نیز کفاف مصارف سـازمان را نخواهد داشت» [۱۲]. در مطالعه حاضر، محدوده ذکر شده ملاک نظر قرار گرفته و روند تغییر این شاخص طی سال‌های اخیر نشان داده می‌شود.

یافته‌ها

وضعیت نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی

نظـام بازنشسـتگی در کشـور از ۴ صنـدوق بـزرگ و ۱۴ صندوق کوچک شـکل گرفته اسـت. بزرگ‌ترین صندوق از نظر تعداد مشـترکان، صندوق تأمین اجتماعـی و قدیمی‌ترین آنها صندوق بازنشسـتگی کشوری است. این دو صندوق ۶۹درصد از جمعیت کشـور را تحت پوشـش قرار داده‌اند. اگر از تعداد بالای صندوق‌های بازنشسـتگی در ایران بگذریم (مسئله‌ای که ضمن پر اهمیت بودن، موضوع بحثِ این مقاله نیسـت)، از پایین بودن نسـبت پشتیبان در اکثر آنها نمی‌توان چشم پوشید. در حقیقت تنها صندوق وکلا و صندوق روستاییان و عشایر وضعیت مناسبی دارنـد. با وجود این، ضرورت دارد به این مطلب نیز توجه شـود که صندوق روسـتاییان و عشایر از سال ۱۳۹۱ شروع به فعالیت کرده و در مقایسه با سایر صندوق‌ها، بسیار جوان و نوپا محسوب می‌شود. با گذشـت زمان و بازنشسته شدن افراد تحت پوشش، وضع مالی این صندوق به وضعیت فعلی سایر صندوق‌ها نزدیک می‌شـود. صندوق وکلا نیز که از سـال ۱۳۹۳ شروع به فعالیت کرده، اصطلاحا صندوق جوانی است که جمعیت اندکی را تحت پوشـش دارد (چیـزی نزدیک به ۳۰ هزار نفر) و دارای نسـبت پشتیبان بالایی است.جدول شماره ۱ نسبت پشتیبان را در پایان سال ۱۳۹۵ و برای هر صندوق نشان می‌دهد:

بحرانی‌ترین نسبت پشتیبان مربوط به صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد اسـت که در جمعیت تحت پوشـش به ازای هر مسـتمری‌بگیر، تنها ۰/۱۱ نفر شـاغل هسـتند. به طور خلاصه صندوق بازنشسـتگی شـهرداری، صندوق بازنشستگی کارکنان بیمه مرکزی، بازنشسـتگی کشـوری، صندوق بازنشستگی صدا و سـیما، صندوق بازنشسـتگی کارکنان شـرکت سهامی بیمه ایران، صندوق بازنشسـتگی سازمان بنادر و دریانوردی، صندوق بازنشسـتگی مس، صندوق بازنشستگی کارکنان هما و صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد دارای نسبت پشتیبان زیر یک هستند و صندوق‌هـای مذکور به همراه صندوق بازنشسـتگی کارکنان صنعت نفت و صندوق بازنشستگی کارکنان بانک‌ها دارای نسبت پشتیبان زیر ۲ هسـتند. یعنی به ازای هر بازنشسته، کمتر از ۲ نفر شاغل وجود دارد.

نسبت پشتیبان در صندوق تأمین اجتماعی

بـه دو دلیل صندوق تأمین اجتماعـی به عنوان مورد خاص و تأکید انتخاب شـده است: دلیل اول، خصوصیت این صندوق در رونـد ورودی‌هـا و خروجی‌های آن اسـت. در سیسـتم‌های بازنشسـتگی معمولا دو نوع صندوق به‌صورت باز و بسـته وجود دارد. در صندوق‌های بازنشسـتگی به شـکل باز، فرآیند قانونی و سیسـتماتیک اضافه شـدن یا ورود افراد ممکن اسـت اما در صندوق‌های بسته چنین امکانی یا اصلا وجود ندارد یا ورود افراد با کندی و با رعایت پیش‌فرض‌هایی امکان‌پذیر می‌شود. طبیعی

جدول ۱| نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی

نسبت پشتیبان	نام صندوق بازنشستگی	نسبت پشتیبان	نام صندوق بازنشستگی
صندوق بازنشستگی روستائیان و عشایر	۵۸/۱۱۹	بازنشستگی کشوری	۰/۹۱۷
صندوق حمایت از وکلا	۳۵/۷۲	صندوق بازنشستگی صدا و سیما	۰/۹
صندوق بازنشستگی آینده ساز	۲/۱۴	صندوق بازنشستگی کارکنان شرکت سهامی بیمه ایران	۰/۸۳
صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت نفت	۱/۴۶	صندوق بازنشستگی سازمان بنادر و دریانوردی	۰/۶۲
صندوق بازنشستگی کارکنان بانکها	۱/۲۸	صندوق بازنشستگی مس	۰/۵۶
صندوق بازنشستگی شهرداری	۰/۹۴	صندوق بازنشستگی کارکنان هما	۰/۲۹
صندوق بازنشستگی کارکنان بیمه مرکزی	۰/۹۲	صندوق بازنشستگی کارکنان فولاد	۰/۱۱

است این صندوق‌ها به دلیل نبود توازن در ورودی و خروجی یا به عبارت دقیق‌تر فقدان توازن در منابع و مصارف، با مشکلات مالی زیادی مواجه می‌شوند. در بین صندوق‌های متعدد بازنشستگی در ایـران، صندوق تأمیـن اجتماعی و صنـدوق بیمه اجتماعی روسـتاییان و عشـایر، صندوق‌های باز به حساب می‌آیند و بقیه صندوق‌ها، در گروه صندوق‌هایِ بسته یا دارایِ نوعی محدودیتِ صندوق بسته هستند. بنابراین مطالعه تغییرات نسبت پشتیبان در صنـدوق تأمین اجتماعی با واقعیت‌های جمعیتی و شـرایط فعلی بازار اشـتغال نتایج دقیق‌تری در پی خواهد داشـت. دلیل دیگـر انتخاب صندوق تأمین اجتماعی، پوشـشِ گسـترده این صندوق است. ضریب پوشش و ضریب نفوذ این صندوق از تمامی صندوق‌های کشور بیشتر است. برای بررسی صحت این موضوع بهتر اسـت نظری بر نمودار شماره ۱ بیندازیم که در آن ضریب نفوذ و پوشش این صندوق طی سال‌های مختلف نشان داده شده است.

ضریب پوشـش که میزان گسترش پوشـش صندوق‌ها را در سـطح کشـور نشـان می‌دهد، در این صندوق رشد چشمگیری داشـته و از ۹/۹۳درصد در سـال ۱۳۴۸ به ۵۳/۱درصد در سال ۱۳۹۵ رسـیده، یعنـی بیش از نیمی از جمعیت ایران را شـامل شـده اسـت. ضریب نفوذ نیز که شـاخصی برای شناخت نسبت

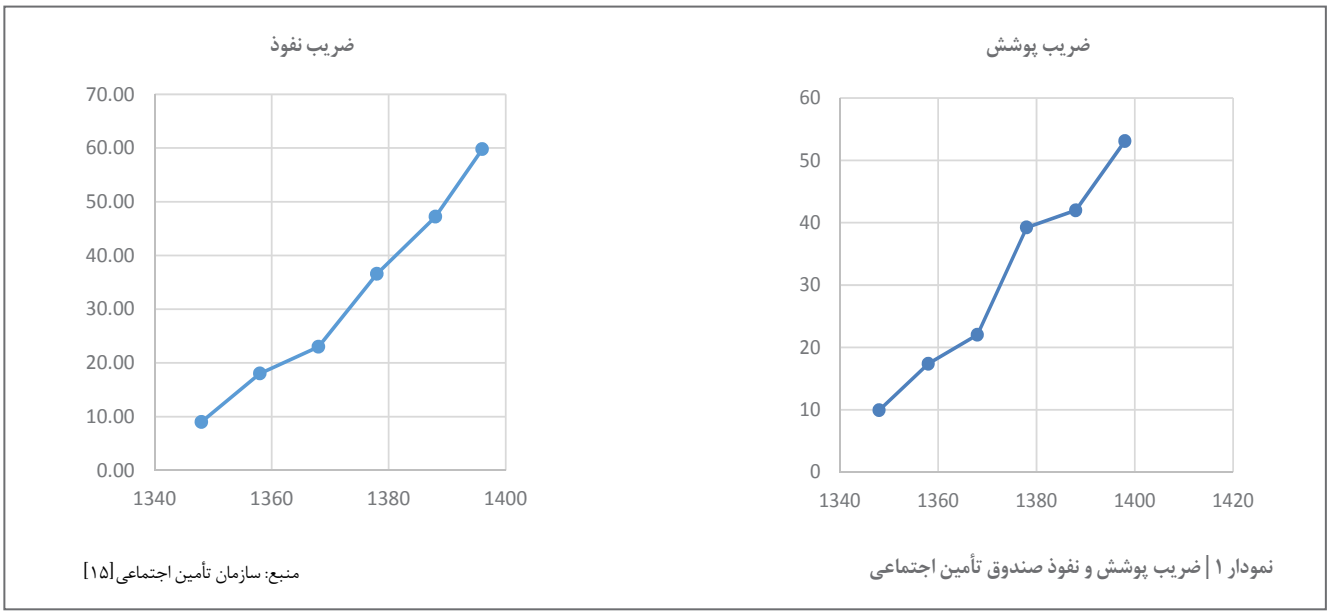

نمودار ۱ | ضریب پوشش و نفوذ صندوق تأمین اجتماعی

منبع: سازمان تأمین اجتماعی[۱۵]

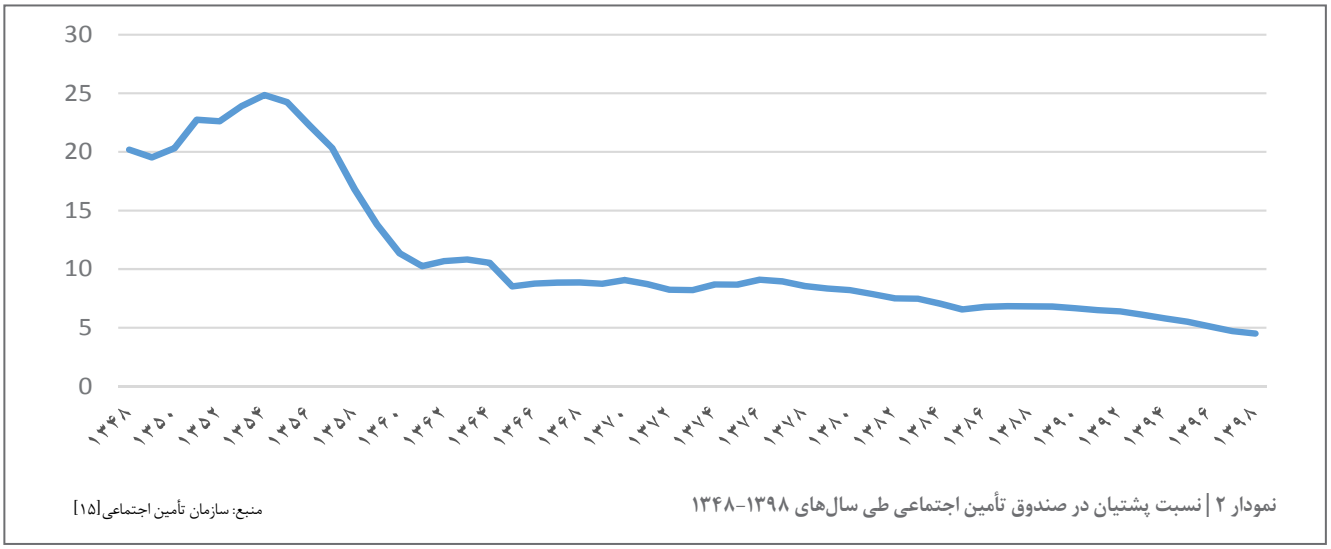

نمودار ۲ | نسبت پشتیان در صندوق تأمین اجتماعی طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۴۸

منبع: سازمان تأمین اجتماعی[۱۵]

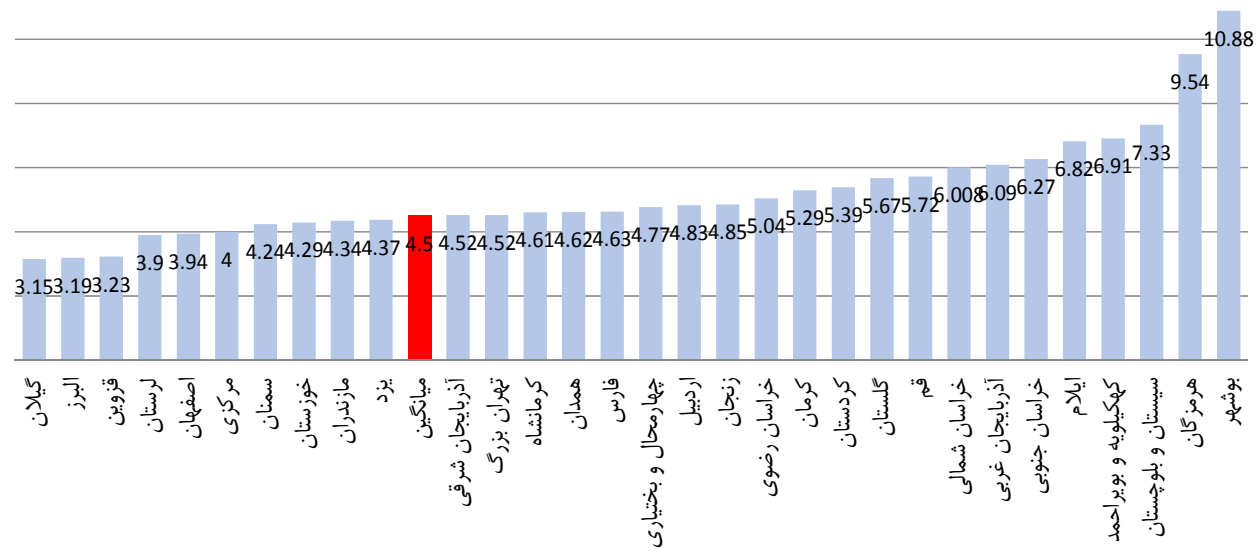

نمودار ۳ | نسبت پشتیبان صندوق تأمین اجتماعی به تفکیک استان

منبع: سازمان تأمین اجتماعی[۱۵]

بیمه‌شـدگانِ اصلی به جمعیت شاغلان کشـور است، روند رو به رشـدی داشته و از ۹/۰۱درصد در سال ۱۳۴۸ به ۵۹/۸درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است. در مقابل نسبت پشتیبان روند کاهشی داشته اسـت. یعنی تناسب منطقی که می‌بایست بینِ بیمه‌شده و مسـتمری‌بگیر برقرار باشد، تدریجاً کمتر شده است. با بررسی این نسـبت طی ۵۰ سال گذشـته به این مطلب پی می‌بریم که این شـاخص از ۲۰/۱۹ نفر در سـال ۱۳۴۸ به ۴/۵ نفر در سـال ۱۳۹۸ رسـیده است. به سـخن دیگر اگر در سال ۱۳۴۸ به ازای هر مسـتمری‌بگیر بیش از ۲۰ نفر شـاغل وجود داشت، باوجود رشد جمعیت و افزایش تعداد کارگاه‌های بیمه‌پرداز (کارگاه از هر نوعی) و رشـدِ شاخص‌های توسعه‌ای، در سال ۱۳۹۸ در ازای هر نفر مستمری‌بگیر، تنها ۴/۵ نفر شاغل وجود دارد. با نگاه به نمودار شماره ۲ روند کاهشی سال‌های مذکور را بهتر متوجه می‌شویم:

براسـاس آنچه تاکنـون در جداول و نمودارهای ذکر شـده دریافته‌ایم، شاخصِ نسبت پشتیبان در صندوق تأمین اجتماعی از سـال ۱۳۴۹ الی ۱۳۵۴ روندی صعودی داشـته اسـت. سال ۱۳۵۵ آغاز روند کاهشی نسبت پشتیبان در این صندوق است که روند رو به نزول آن، تا به امروز نیز ادامه دارد. بیشـترین کاهش این نسـبت طی سـال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ اسـت که از ۲۲/۲۴ به ۲۰/۳۳ رسـیده است. چنین کاهشی را طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۶۴ نیز می‌توان مشاهده کرد. از آن زمان به بعد، تنها در سال ۱۳۷۶ است که در حد ناچیزی با افزایش نسبت پشتیبان نسبت به سـال قبل مواجه هستیم و از سال ۱۳۷۷ به بعد روند کاهشی این شـاخص همچنان ادامه دارد. نکته حائز اهمیت در این جداول آن اسـت که چیزی حدود ۹ سـال طول کشـید تا نسبت پشـتیبان در این صندوق از ۶ نفر پایین‌تر شود. با وجود این تنها ۳ سال (از ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶) کافی بود که این نسبت به زیر ۵ نفر برسد. ادامه روند فعلی، روند نزولی را سرعت می‌بخشد. از دیگر سوی، با بررسی این شاخص در استان‌های کشور به این نکته پی می‌بریم که مناطق مختلف کشـور، دارای نسـبت‌های پشتیبان متفاوت هستند که در محدوده ۳/۱ تا ۱۰/۸ نفر متغیر اسـت. برای درک این مطلب بهتر است به نمودار شماره ۳ نگاه کنیم که در آن نسـبت پشتیبان را به تفکیک استان‌های کشور برای سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد:

نکتـه قابل ذکـر در این نمودار آن اسـت کـه تقریبا تمام استان‌های صنعتی ایران دارای نسبت پشتیبان پایین‌تر از میانگین (و یا نزدیک به آن) هستند. این استان‌ها عبارتند از گیلان، البرز، قزوین، لرستان، اصفهان، مرکزی،سمنان، خوزستان، مازندران و یزد. پایین‌ترین نسبت پشتیبان مربوط به استان گیلان با ۳/۱ و بالاترین مربوط به استان بوشهر با ۱۰/۸۸ نفر است.

بحث

این تحقیق با هدف بررسی تغییرات نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی و وضعیت آن در صندوق تأمین اجتماعی طی ۵۰ سال گذشته انجام شده است. نتایج به دست آمده موید این مطلب است که نسبت پشتیبان طی سال‌های مورد مطالعه، روند کاهشی داشته و شتاب به سمت کمتر شدن همچنان ادامه دارد. علت کاهش شدید این شاخص، کاهش نسبت بیمه‌شده/مستمری‌بگیر است. به عبارت دیگر تغییرات در تعداد بیمه‌شدگان و افزایش مستمری‌بگیران. به سخن دقیق‌تر، تغییر در نسبت پشتیبان به دو عامل اساسی بستگیِ مستقیم دارد؛ اول تعداد بیمه‌شدگانِ اصلی و دوم تعداد مستمری‌بگیران. هر موضوع و مسئله‌ای که سبب کاهش یا افزایش در دو عاملِ ذکر شده شود، قطعا بر نسبت پشتیبان تاثیر خواهد گذارد. اساسی‌ترین عواملی که می‌توانند بر تعداد بیمه‌شدگان اثرگذار باشند عبارتند از: نرخ رشد اشتغال، بیکاری و متوسط مدت زمان اشتغال و بیمه‌پردازی. اساسی‌ترین عواملی که می‌توانند بر تعداد مستمری‌بگیران اثرگذار باشند عبارتند از: سن قانونی رسیدن به دوران بازنشستگی، وضعیت ایمنی کارگاه‌ها، تعداد افراد از کار افتاده، بازنشستگی پیش از موعد و سال‌های برخورداری بازماندگان از مزایای بیمه‌ای. با مشاهده روند رو به نزول شاخص نسبت پشتیبان طی سال‌های اخیر و در صورت ادامه این روند، پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ این نسبت در صندوق تأمین اجتماعی به زیر ۴ نفر برسد. ادامه روندِ کاهشی نسبت پشتیبان منجر به پیشی گرفتن مصارف بر منابع شده و ناپایداری مالی شدیدی را فراهم می‌سازد، به طوری که خالص ارزش دارایی‌ها و منابع درآمدی مورد انتظار، پایین‌تر از ارزش فعلی تعهدات طولانی‌مدت می‌شود. این موضوع می‌تواند وضعیت مالی صندوق‌ها را به اصلی‌ترین چالش کشور مبدل سازد. متاسفانه چشم‌انداز روشنی در بهبود شرایط فعلی و بازنگری در مدیریت و رفع چالش این صندوق‌ها مشاهده نمی‌شود. نرخ پایین مشارکت نیروی کار، افزایش نرخ بیکاری و تداوم آن طی سال‌های اخیر و سهم قابل توجه اشتغال غیررسمی در کشور سبب شده ورودی‌هایِ جدید به صندوق‌ها در مقایسه با خروجی‌های آن، روندی کاهشی داشته باشد. پرداخت‌های جبرانی دولت نیز توان مقابله با این سهم عظیم مستمری‌بگیر را نخواهد داشت. در حال حاضر تعهدات صندوق فولاد از محل بودجه تأمین می‌شود. صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر، صندوق بازنشستگی کشوری و لشکری نیز ردیف‌های بودجه‌ای مشخصِ مربوط به خود را دارند. صندوق بازنشستگی نفت نیز در بودجه شرکت ملی نفت تأمین اعتبار می‌شود. چنانچه تعهداتِ پرداختی به بازنشستگانِ صندوق بزرگ تأمین اجتماعی نیز نیازمند ردیف بودجه اعتباری از سوی دولت شود، چالشی بزرگ پیش روی اقتصاد کشور به وجود خواهد آورد. این در حالی است که می‌دانیم طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴ تعداد بازنشستگان آن صندوق ۳ برابر شده، در حالی که جمعیت بیمه‌پرداز هرگز چنین افزایشی را نداشته است. در سال ۱۳۹۷ تعداد بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی نسبت به سال قبل ۰/۴ درصد افزایش داشته است. این در حالی است که در همین سال نسبت به سال قبل، تعداد مستمری‌بگیران رشدی ۷/۲درصدی را شاهد بوده است[۱۰]. در عین حال بیشترین سهم درآمدهای این سازمان مربوط به سهم حق بیمه است.. در سال ۱۳۹۷ حدود ۹۸/۹درصد از درآمدهای این صندوق حاصل از حق بیمه بوده و حدود ۶۷/۵درصد از هزینه‌های آن مربوط به پرداخت حقوق و دیگر مزایای بازنشستگی بوده است. این مسئله، حجم عظیمی از مسائل و پرسش‌ها را در ذهن ایجاد می‌کند و مهم‌ترین چالش این است که چگونه طی این دوره، نسبت پشتیبان چنین روند رو به کاهشی را طی کرده و چه سرانجامی در انتظار این صندوق بازنشستگی عظیم است و در نهایت چه چشم‌اندازی پیش رویِ وضعیتِ رفاهی جامعه و بازار اشتغال در کشور قابل تصور است؟

ارقام ذکر شده، موقعیت بحرانی این صندوق را نمایان می‌سازد. در این میان زمزمه‌هایی برای بالابردن سن بازنشستگی به عنوان راه‌حلی مطلوب برای بهبود نسبت پشتیبان و اصلاح توازن منابع و مصارف در صندوق‌های بازنشستگی مطرح می‌شود. در کنار این، نهادهای بین‌المللی نیز در برخی کشورها به‌منظور افزایش منابع صندوق‌های بیمه و رونق اقتصادی چنین تجویزهایی دارند. در تیرماه ۱۳۹۶ صندوق بین‌المللی پول به کشور آلمان توصیه کرد با اصلاح قانون بازنشستگی، سن بازنشستگی را به ۶۷ سال افزایش دهد. اما همان‌طور که می‌دانیم این تصمیم مورد مخالفت شدید جامعه کارگری این کشور قرار گرفت. در ایران نیز عده‌ای با هدف رفع چالش‌های صندوق‌های بازنشستگی،

این راهکارها را پیشنهاد داده‌اند[۱۶]. اصلاح قوانین در راستای بالابردن سنِ بازنشستگی، گرچه به عنوانِ اولین (و در عینِ حال ساده‌ترین) راهکارِ اجرایی به ذهن می‌رسد اما ضمن آنکه با معیارهایِ عدالت کاری در تضاد است، قطعا با مقاومت‌هایی مواجه خواهد شد. از این رو راقم این مقاله، برای اصلاح روند نسبت پشتیبان و عبور از بحران در صندوق‌های بازنشستگی به هیچ وجه با افزایش سن بازنشستگی و بالابردن سهم شاغلان به وسیله این روش و در شرایطِ فعلی موافق نبوده و آن را راهکار مناسبی نمی‌داند، زیرا با انجام این اقدام، بدون توجه به سایر مولفه‌های تاثیرگذار، دستِ کم چالش صندوق‌های بازنشستگی به چند سال بعد منتقل شده و بحران همچنان حل نشده باقی می‌ماند. به عبارت دیگر هنوز اقداماتِ موثر قابلِ اجرایی وجود دارند که می‌توانند ما را به همان اهداف رهنمون سازند. هرگز نباید از یاد ببریم انجام پارامترهایِ اصلاحی زمانی می‌تواند به عنوان راه حلِ اجرایی در چالش صندوق‌های بازنشستگی مطرح شود که شرایط اقتصادی مطلوبی در جامعه حاکم باشد. اما وقتی واقع‌بینانه به موضوع می‌نگریم کاملا مشخص می‌شود که اصولا یکی از دلایلِ بحران در صندوق‌های بازنشستگی ایران، بحران‌هایِ اقتصادی است و اقداماتِ ضربتی همچون بالابردن سنِ بازنشستگی نه‌تنها سودمند نیست، بلکه می‌تواند با تشدید بحران، آن را دوچندان کند.

نتیجه‌گیری

کارشناسان اقتصادی برای رهایی از چالش مالی در صندوق‌های بازنشستگی راه حل‌های متعددی پیشنهاد کرده‌اند. برخی از مهم‌ترین این راهکارها به طور عمده عبارتند از: افزایش نرخ حق پرداختی بیمه، تغییر و بازنگری در قوانین مربوط به ازکارافتادگی، توجه به نرخ سود سرمایه‌گذاری، جلوگیری از دخالت دولت‌ها در صندوق‌های بازنشستگی، افزایش کمک مالی در بودجه عمومی، پرداخت بدهی و تعهدات دولت، ارتقای مدیریت و تخصصی شدن مدیریت صندوق‌ها و کاهش هزینه‌های سازمانی و اداری. هرکدام از این راهکارها موافقان و مخالفان جدی دارد. برخی غیرِکارشناسی یا مغایر با عدالت و رفاه اجتماعی و قوانینِ حاکمیتی است و اجرای برخی از این راه حل‌ها می‌تواند تبعات و پیامدهای دیگری به دنبال داشته باشد.

در این پژوهش نیز برای استفاده و توجه در تصمیم‌گیری‌های کلان نظام بازنشستگی، ۳ راهکار اساسی منطبق با شرایط فعلی کشور که کمتر مورد توجه قرار داشتند، در راستایِ اصلاح تناسب میان منابع و مصارف و بهبود روند نسبت پشتیبان در صندوق‌ها ارائه می‌شود:

۱-توجه به سهم بازار غیررسمی: مهم‌ترین راهکار شناخته شده در افزایش نسبت پشتیبان شناسایی گروه‌های با قابلیت بیمه‌پردازی است. براین اساس ضرورت دارد سیاست‌هایِ اصلاحی درخصوص این شناخت در دستور کار مجریانِ کار قرار گیرد. آمارها از وجود حدود ۲۳ میلیون نفر شاغل حکایت دارند، در حالی که حدود ۱۴ میلیون نفر حق بیمه پرداخت می‌کنند. این سخن بدان معناست که حدود ۹ میلیون نفر از جمعیت شاغل در چرخه اقتصادِ رسمی فعالیت ندارند. افزایش چترِ بیمه‌ای برای این جمعیت، ضمن افزایش سطح رفاه جامعه و برخورداری تمام شاغلان از مواهب و حمایت‌های بیمه‌ای، در بهبود وضع فعلی صندوق‌ها تاثیر به‌سزایی خواهد داشت.

۲-بازنگری در قوانین بازنشستگی پیش از موعد: به موجب وضع قوانینی چون قانونِ نوسازی و بازسازی صنایع، قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوبه ۱۳۸۶، قوانین مرتبط با مشاغل سخت و زیان‌آور، اصلاحیه ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی و قوانینی از این دست سبب شده که طی سال‌های اخیر افراد زیادی مشمول بازنشستگی شوند. این دیدگاه نادرست نسبت به بازنشسته شدن افراد و طرح‌های پیش از موعد نه‌تنها در کاهش بیکاری در جامعه و بهبود فضایِ اشتغال نقش ارزنده‌ای ایفا نمی‌کند، بلکه سبب‌ساز بحران‌های اقتصادی دیگری در جامعه می‌شود. صندوق‌های بازنشستگی از محورها و نهادهای مهم اقتصادی هر کشوری محسوب می‌شوند و چنانچه بخشی از کشور تنها منافع خود را در نظر بگیرد، به کل نظام اقتصادی کشور آسیب رسانده است. بازنگری در قوانین بازنشستگی پیش از موعد راهکار مناسبی به‌منظور ایجاد توازن میان شاغلان و بازنشستگان خواهد بود.

۳- بالا بردن سهم بانوان در جامعه بیمه‌پرداز کشور: هیچ اقتصادی بدون در نظر گرفتن جایگاه و نقش زنان، موفق و کارساز نخواهد بود. زنان به عنوان نیمی از جامعه اگر نیازمند شغل و درآمد هم نباشند، قطعا نیازمند استفاده از مزایای بازنشستگی هستند.

چند سالی اســت که در کشور، نهادهای بیمه‌های تجاری سعی داشــته‌اند باتوجه به این ضــرورت، در قالب طرح‌های مختلفی، در کنار بیمه‌های پایه، بخشــی از این کاســتی را جبران کنند. متاسفانه تنوعِ این طرح‌ها در سازمان‌های بیمه‌ای پایه با ماهیت صندوق بازنشستگی، یا کم اســت و یا اصلا وجود ندارد. به طور نمونه ســهم زنان تقریبــا در تمام طرح‌هــای کلان بیمه‌ای در صندوق تأمین اجتماعی زیر ۲۰درصد است. (بیمه شدگان اصلی و اجبــاری ۱۹درصد و توافقی ۷درصــد). توجه به این موضوع و ایجاد تنوع در طرح های بیمه (طرح‌هایی همچون زنان خانه‌دار، سرپرست خانواده و...) سهم زنان را در جامعه بیمه‌پرداز افزایش خواهد داد.

تشکر و قدردانی: این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی موظفی مولف تحت عنوان روند تغییرات نسبت پشتیبان در صندوق‌های بازنشستگی با تأکید بر صندوق تأمین اجتماعی است. نویســنده مقاله بر خود لازم می‌داند از کلیه افرادی که در تهیه و تدوین این پژوهش همکاری داشته‌اند، قدردانی کند.

سهم نویسندگان: هر دو نویسنده سهم یکسانی در این مطالعه دارا بودند.

تأییدیه اخلاقی: مطالعه حاضر به شــماره ۲۱/۱۰۷۳۸۸ مورخ ۱۴۰۰/۸/۲۵ در موسسه تحقیقات جمعیت کشور مورد تصویب قرار گرفت.

تضاد منافع: دو نویسنده این مقاله هیچگونه تعارضی اعلام نکرده‌اند.

منابع مالی: مطالعه حاضر توسط موسسه تحقیقات جمعیت کشور مورد

References

1. Mohajerani AA. Demography of Iran. [First Edition]. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books, 2020. [Persian]
2. Yavari K, Basakha M, Sadeghi H, Naseri A. Economic Aspects of Ageing. Salmand: Iranian Journal of Ageing. 2015;10(1):92-105. [Persian]
3. Miri FS, Ghiai MM, Khodaee Z. Analysis of Factors Affecting the Growth of Elderly Life Expectancy; Case Study: Nursing homes in Karaj. Social Welfare Quarterly. 2019;19(73):301-39. [Persian] doi: 10.29252/refahj.19.73.301.
4. Koosheshi M, Reyhan R. Cross-Sectional and Age Analysis of the Impact of the Early-Mortality Pattern on the Lost Income of the Social Security Funds. Population Studies. 2018;4(1):167-98. [Persian]
5. Shokri A. Economic Evaluation of Pension Funds in Iran. [First Edition]. Tehran: Higher Institute for Social Security Research, 1996. [Persian]
6. Shokri S. Investigating the Effects of Early Retirement on the Social Security Organization. Social Security Journal. 2020;15(4):35-59.
7. Raftery AE, Li N, Ševíková H, Gerland P, Heilig GK. Bayesian probabilistic population projections for all countries. Proc Natl Acad Sci. 2012;109(35):13915-21. doi: 10.1073/pnas.1211452109.
8. Blake D. Pension economics. John Wiley & Sons; 2006 Dec 4.
9. Karimian Sichani Z, Cheraghali M, Dehghani A. Studying and Analyzing Influential Demographic Variables on Support Ratio in Iranian Social Security Pension Fund Using System Dynamics. Journal of Strategic Management in Industrial Systems. 2021;16(56):123-38.
10. Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare. Statistics. [First Edition]. Tehran: Statistics and Strategic Information Center, 2019. [Persian]
11. Shah Hosseini M. The mystery of instability in pension funds. New Atieh Weekly. 2017;50:3. [Persian]
12. Taheri P. Crisis autopsy. Journal of Welfare Realm. 2017;30-31:36-43. [Persian]
13. Gorjipour I, Akhavan Behbahani A. Report: Investigating the current situation of small social insurance funds and providing a model for organizing them, Parliamentary Research Center. Tehran: Office of Social Studies, 2016. [Persian]
14. Hadi Znouz B. Iranian Pension Funds over time with emphasis on the Social Security Organization and the National Pension Organization. [First Edition]. Tehran: Critique Plan Publications and Saba Retirement Strategic Institute, 2017. [Persian]
15. Publications of the Social Security Organization. Statistical Yearbook of the Social Security Organization, 2020. [Persian]
16. Deputy of Socio-Cultural Research. Office: Social Studies. Investigating the situation of the Social Security Organization and the need for fundamental reforms in it, the causes and immediate measures required by the Research Center of the Islamic Consultative Assembly, 2017. [Persian]